

جامعه معرفتی و اندیشه دینی

محمد رضا مجیدی*

محمد رضا دهشیری**

چکیده:

جامعه معرفتی از مقولات مهمی است که از منظر مختلف علوم پایه بررسی آن پرداخت. ما در این تحقیق بر آنیم به این پدیده درزمین جهان اسلام اشاره کنیم ابتدا به اصول و مبانی شاخصها و فوائد جامعه معرفتی میپردازیم سپس این مقولات را در اندیشه اسلامی دنبال خواهیم کرد پدیده و جوه اشتراک و تمایز اندیشه اسلامی غرب درباره جامعه معرفتی بیان خواهیم کرد. بنیادهای جامعه معرفتی در مبانی فکری اسلام وجود کلهدف آن جهلزدایی، سعادت معنوی و اخروی، توازن بین جنبه‌های مادی و معنوی انسان و اخلاق‌گرایی علمی است. ضمناً به خصوصیات جامعه معرفتی غرب نیز اشاره خواهد شد.

واژگان کلیدی: جامعه معرفتی، اندیشه دینی، اسلام، جامعه اطلاعاتی، علم، توسعه انسان‌محور، اخلاق، غرب

* دکترای علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران.

** دکترای علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۲/۲۴ تاریخ تأیید: ۸۸/۱/۲۳

طرح مسأله

جامعه معرفتی در غرب، دانش‌مدار یا دانایی‌محور^۱ است که به‌یژه پس از تشکیل دو اجلاس جامعه اطلاعاتی در ژنو (دسامبر ۲۰۰۳) و تونس (نوامبر ۲۰۰۵) مورد اهتمام ویژه قرار گرفته است. این مفهوم که از فراگیری و جامعیت بیشتری در مقایسه با جامعه اطلاعاتی^۲ برخوردار است و در عرصه بین‌المللی امروز در محافل علمی و آکادمیک مطرح می‌باشد، بر اصولی از قبیل آزادی بیان، دسترسی جهانی به دانش و اطلاعات، احترام به تنوع زبانی و فرهنگی و آموزش کیفی برای همه استوار است. جامعه دانایی‌محور درصدد است همراه با سوق دادن جامعه اطلاعاتی به سوی مردم‌محوری، یادگیری و توسعه‌محوری و تضمین دسترسی و بلکه مشارکت عموم مردم در روند اطلاعات و دانش، به تحکیم الگوهای یادگیری، بیان‌های متنوع فرهنگی، توانمندسازی و مشارکت اهتمام ورزد، فرصت‌هایی را برای توسعه اقتصادی و اجتماعی و نیز فقرزدایی فراهم آورد، صلح را بر مبنای امنیت انسانی و جمعی تحکیم بخشد و دانش را محور و محرک دگرگونی اجتماعی قرار دهد. چنین جامعه‌ای خواستار ارتقای توانمندی‌های بشری برای شناسایی، تولید، پردازش، تحول، ترویج و بهره‌گیری از اطلاعات است تا از رهگذر تکثیرباوری، دربر گیرندگی، یکپارچگی و مشارکت، دانش را مبنایی برای توسعه بشری قرار دهد. مفهوم توسعه انسان‌محور که بر توانمندسازی و تبادل و سهیم نمودن در دانش علمی از طریق یکپارچگی، انسجام بین‌المللی و درک متقابل استوار است، راه را برای انسانی کردن فرآیند جهانی شدن هموار می‌سازد و فرهنگ ابتکار و خلاقیت را از طریق به‌کارگیری دانش ارتقا می‌بخشد و تلاش دارد شکاف علمی - دیجیتالی و تبعیض علمی را به حداقل برساند.

1. Knowledge Society.

2. Information Society.

به‌رغم آنکه این مفهوم، نوین به‌شمار می‌آید، با اندک تأمل درباره ریشه‌های تاریخی آن در آموزه‌های دینی، به‌ویژه دین خاتم، می‌بینیم که در چهارده قرن گذشته از چنین جامعه‌ای سخن به‌میان آمده است. لذا جامعه معرفتی مطلوب در دیدگاه اسلام، دارای بنیادهای وحیانی است؛ به‌ویژه آنکه بحث معرفت و دانش در اسلام با عنایت به سابقه ترجمه متون اسلامی در عصر نوزایی و روشنگری در اروپا، بحثی متقدم به‌شمار می‌آید. لذا شایسته است پس از تبیین مفهوم، اصول و مبانی، اهداف، شاخص‌ها، فواید و پیامدهای جامعه معرفتی به‌طور عام، دیدگاه اسلام و اندیشه دینی در این زمینه مورد مذاقه قرار گیرد تا ضمن بازشناسی مبانی شناخت و معرفت در اندیشه اسلامی و پردازش رویکرد دینی به جوامع دانایی محور، ابعاد اشتراک و افتراق میان این دو نظام فکری که یکی از مشرب اومانستی الهام گرفته است و دیگری ریشه در دیدگاه الهی و وحیانی دارد و بین سعادت مادی و معنوی بشر تعادل و توازن را برقرار می‌سازد، واکاوی و تحلیل شود. در واقع، رویکرد اندیشه دینی به جامعه معرفتی، بر مفهوم سازی و اندیشه ورزی برای تبدیل دانایی به سعادت‌مندی دنیوی و اخروی در جامعه تمدن ساز استوار است که نشانگر رهیافت محتوامحور و جهت‌مدار اسلام در مقایسه با رویکرد ابزارانگار و سرگشته غرب است. این مطالعه تطبیقی به بررسی دو نگرش به جامعه معرفتی بر پایه دو گفتمان دینی و سکولار می‌پردازد و تلاش می‌کند نقاط تمایز و اشتراک را استخراج کند.

۱. چیستی جامعه معرفتی

در این گفتار تلاش می‌شود تا اهمیت و ضرورت، اصول و مبانی، اهداف، شاخص‌ها، فواید و پیامدهای جامعه معرفتی در مفهوم مدرن آن تبیین گردد.

۱-۱. اهمیت و ضرورت جامعه معرفتی

فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، شرایط جدیدی را برای ظهور جوامع

معرفتی فراهم آورده‌اند. جامعه اطلاعاتی جهانی در صورتی به هدف خود نائل می‌آید که به منبع توسعه برای همگان تبدیل شود. با توجه به اینکه انقلاب اطلاعاتی، دو چالش عمده یعنی شکاف دیجیتالی و دست‌کاری اطلاعاتی را در پی داشته است، جامعه معرفتی در صدد است با تلاش برای برقراری پلی بین دسترسی عادلانه همگان به فن‌آوری اطلاعات و تحکیم حقوق شهروندان جهانی برای آزادی بیان و مشارکت در فرآیند اطلاعات و ارتباطات، به عنوان منبع توسعه پایدار و الهام‌بخش توانمندسازی بشریت، موجبات همبستگی جهانی را فراهم آورد. از این رو می‌توان جامعه معرفتی را مکمل جامعه اطلاعاتی دانست. جامعه معرفتی به پیچیدگی و پویایی تغییرات در معرض وقوع توجه دارد و معتقد است نه تنها معرفت، موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورد، به خودمختاری و توسعه جوامع نیز کمک می‌کند. تحکیم توسعه انسانی می‌تواند به گستره‌هایی چون همکاری فکری، آموزش پایدار، ارزش‌های اخلاقی و حقوق اساسی بشر تسری یابد و جوامعی برابر، همراه با کیفی کردن آموزش آحاد شهروندان جامعه جهانی را به ارمغان آورد.

جوامع معرفتی با تکیه بر برابری فرهنگ‌ها و نفی تسلط فرهنگی بر یکسان‌سازی فرهنگی، معتقدند تکرپذیری فرهنگی زمینه پیشرفت جوامع را فراهم می‌آورد و امکان گفتگوی فرهنگی و درک متقابل را تسهیل می‌نماید. جوامع معرفتی بر مدیریت دانش از طریق خلاقیت و ابتکار و تلقی آن به عنوان سرمایه علمی و معرفتی بشریت تأکید می‌کنند و به شبکه‌ای کردن دانش جهت تبدیل فضای مجازی^۱ به فرهنگ مجازی^۲ توجه می‌کنند. این جوامع ضمن توجه به دگرگونی‌های اجتماعی و پیچیدگی و پویایی تغییرات در درون جوامع و توجه به

1. Cyberspace.

2. Cyberculture.

نقش فن‌آوری اطلاعات در دو بعد ابزاری و محتوایی برای دستیابی به توسعه انسانی، بر ضرورت نیل به توسعه پایدار تأکید می‌کنند. این امر مستلزم توجه به خلاقیت در کشف و تولید دانش به‌عنوان «کالای مشترک»[□] و توجه به سرمایه بشری[□] به‌ویژه سرمایه علمی و معرفتی و فرهنگی است که در زمره اموال عمومی[□] به‌شمار می‌آید و زمینه را برای همبستگی و تعامل جوامع با یکدیگر از رهگذر همکاری‌ها و تعاملات فزاینده و نیز فراگیری متقابل آنها نسبت به یکدیگر فراهم می‌آورد که منجر به تحقق «امنیت جمعی»[□] و در نتیجه «امنیت انسانی»[□] می‌شود.

۱-۲. اصول و مبانی جامعه معرفتی

جامعه معرفتی، خواهان احترام به تنوع فرهنگی و زبانی و نیز چندفرهنگی و تنوع هویتی است تا از رهگذر تکرپذیری بتواند کلیه ابعاد دانش - از محلی و بومی و سنتی تا مدرن و پیشرفته - را دربر بگیرد. این جامعه بنیان خود را از حقوق بشر می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که حق آموزش و فراگیری به‌عنوان حقوق اولیه انسان‌ها مورد اهتمام قرار می‌گیرد و بر این اساس است که بر لزوم آموزش کیفی برای همگان و دسترسی همه مردم به اطلاعات به‌عنوان ابزار و روش آموزش و فراگیری تأکید می‌گردد.

مشارکت عموم مردم در این فرآیند موجب می‌شود شاهد نوعی تحول از دسترسی[□] به اطلاعات به سوی مشارکت[□] باشیم که این مهم از راه شبکه‌ای کردن

-
1. Common Good.
 2. Human Capital.
 3. Public Property.
 4. Collective Security.
 5. Human Security.
 6. Access.
 7. Participation.

اطلاعات به جای اتکای صرف به خاطره‌ها و حافظه جوامع و انسان‌ها امکان پذیر است. بدین ترتیب، با فراگیر کردن دانش و معرفت در جامعه، امکان تحقق دموکراسی مشارکتی با حضور کلیه بازیگران اعم از دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی فراهم می‌آید که منجر به توسعه همه جانبه و تحقق حکمرانی مناسب □ برای علوم و فن‌آوری می‌شود.

بدین ترتیب، جوامع معرفتی بر سه پایه ارزش‌دهی بهتر به اشکال موجود دانش برای کاهش شکاف علمی، رویکرد مشارکتی بیشتر برای شفافیت اطلاع‌رسانی و دستیابی همگانی به دانش و نهایتاً همگرایی بهتر سیاست‌های علمی و معرفتی استوار است. (Unesco, 2005: 188)

در قلب جوامع معرفتی، توان شناسایی، تولید، پردازش، توزیع و استفاده از اطلاعات به منظور ایجاد و به‌کارگیری شناخت‌های ضروری برای توسعه انسانی به‌گونه‌ای پوشیده است که از رهگذر خودمختار شدن جامعه معرفتی، امکان تحقق تنوع، تکثر، همگرایی، یکپارچگی و مشارکت فراهم می‌آید. (Unesco, 2004: 74)

درواقع اصول کلیدی جامعه معرفتی بر آموزش کیفی برای همگان، احترام به تنوع فرهنگی و دسترسی جهانی به اطلاعات و دانش و آزادی بیان استوار است تا از این رهگذر، جامعه اطلاعاتی مردم‌مدار، فراگیر و توسعه‌محور ظهور یابد.

در جامعه معرفتی باید اطلاعات را با حفظ کره خاکی مرتبط دانست؛ چراکه آموزش در طول زندگی برای تحقق توسعه پایدار با محوریت فرهنگ و آموزش، منجر به افزایش دانش انسان برای حفظ محیط پیرامون خود می‌شود. لذا آموزش کیفی به‌ویژه آموزش برای توسعه پایدار و اهمیت بخشی به مشارکت حکومت‌ها، بخش خصوصی، جامعه مدنی و سازمان‌های چندجانبه در جوامع معرفتی، نیازمند سرمایه‌گذاری در تمامی مراحل تحقیق و توسعه، ارتقای آگاهی جامعه بشری به

مشکلات زیست محیطی، افزایش کارآیی و کارآمدی و ارتقای خلاقیت ها و اولویتهای جمعی و سرانجام توسعه فرهنگ علمی در جامعه عمومی است؛ به‌گونه‌ای که رویکردی تمام‌نگر[□] به‌ویژه در زمینه دانش تخصصی بر این جوامع حکمفرما شود و همگان در فرآیند تصمیم‌سازی و تاثیرگذاری بر فرآیندها از طریق دانشگاه‌ها و نهادهای تحقیقاتی، مشارکت کنند. (Primo, 2003: 34-40)

اصول و پارامترهای آزادی بیان، دسترسی همگانی به اطلاعات و معرفت، احترام به شرافت بشری و تنوع فرهنگی و زبانی، دسترسی همگان به آموزش کیفی، سرمایه‌گذاری در علوم و فن‌آوری و درک و هم‌گرایی نظام‌های معرفتی بومی برای تحقق جوامع معرفتی ضروری است. جوامع معرفتی برای اینکه منعکس کننده هنجارهای حرفه‌ای و اخلاقی برتر باشند، باید مبانی حقوق بشر، احترام به زندگی خصوصی، شرافت و کرامت بشری و همبستگی میان مردم در عرصه داخلی و فراملی را نهادینه کنند و تعهد جوامع را به نفع اصول مردم‌سالاری، شفافیت، مسؤولیت و حکمرانی شایسته تقویت کنند؛ البته این مهم، مستلزم شناسایی ابعاد وابستگی متقابل حکومت‌ها و بخش خصوصی و نیز جامعه مدنی به یکدیگر، نفی فقر و حاشیه‌نشینی، ارتقای مشارکت همگان در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و رفع نابرابری‌های فزاینده در زمینه توسعه زیرساخت‌ها و دسترسی و استفاده برابر از فن‌آوری‌های ارتباطی است. (Unesco, 2004: 72-73)

۱-۳. اهداف جامعه معرفتی

مهم‌ترین هدف جامعه معرفتی را می‌توان ارتقای توانمندی‌های ذهنی و فکری از طریق آموزش عمومی و کیفی به‌منظور تفکر خلاق و مؤثر دانست. این تفکر مؤثر

در سه مرحله تفکر منطقی - اعم از کاربردی، استخراجی و تحلیلی - تفکر عقلانی و تفکر تصویری شکل می‌گیرد.

هدف دیگر جامعه معرفتی، برقراری ارتباطات فعال از رهگذر توسعه زیرساخت‌ها و استفاده از فن‌آوری ارتباطات است. در این رهگذر، آموزش و فراگیری و توسعه مهارت‌ها از محوریت برخوردار است؛ زیرا علاوه بر روش‌شناسی باید به محتوا و فهم گفتمان در فضای مجازی اهتمام گردد. در واقع فن‌آوری صرفاً یک ابزار است که نیازمند همراهی با محتوا در فضای مجازی است؛ چراکه انتقال‌دهنده پیام، خود پیام نیست. لذا آگاهی‌بخشی علاوه بر خلاقیت روشی از اهمیت برخوردار است. این رویکرد منجر به تحرک اجتماعی می‌شود؛ چون تمامی بازیگران اعم از دولت‌ها، جوامع مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) را در زندگی اجتماعی و در فضای مجازی مشارکت می‌بخشد. (Primo, Ibid: 38-46) در چنین جامعه‌ای، یک ابزار قانونی نیاز است که به شناسایی و حفاظت از دانش‌های تولیدشده، توسعه یافته و افزایش‌یافته در جوامع مردمی می‌پردازد. از این رهگذر، باید به تمامی ابعاد سیاست‌های اطلاعاتی و ارتباطی، شامل زیرساختی (زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی) عمودی (سیاست‌های مرتبط با نیازهای بخش‌های آموزش، بهداشت و صنعت) و افقی (سیاست‌های تأثیرگذار بر دلوپسی‌های اجتماعی، شامل آزادی اطلاعات، تعرفه‌ها، قیمت‌ها و امنیت) توجه شود. (Ibid: 52-54)

هدف سوم جامعه معرفتی، پیوند بین آموزش و پژوهش است. این امر مهم بر جهانی کردن آموزش به‌ویژه آموزش الکترونیک، توده‌ای کردن آموزش از طریق فراگیرسازی آموزش برای همه و آموزش در طول زندگی، استانداردهای آموزش و کیفی کردن آموزش به‌منظور دادن قدرت تمیز اطلاعات مفید از غیر مفید استوار است. توجه هم‌زمان به دانش بومی و دانش مدرن نیز عنصر تشکیل‌دهنده جوامع معرفتی به‌شمار می‌آید. تمامی تلاش‌ها باید صورت پذیرد تا شناسایی، درک،

دیجیتالی کردن و هم‌گرا نمودن نظام‌های معرفتی بومی انجام شود و به آنها اجازه داده شود تا به‌صورت جهانی قابل دسترسی باشند و به توسعه جوامع معرفتی کمک کنند. (Unesco, 2004: 77) از آنجا که روش‌های قدیمی انتقال معرفت و دانش نیازمند روزآمدسازی هستند، ابتکاراتی از جمله آموزش باز، آموزش از راه دور، آموزش با نقشه، آموزش منعطف، آموزش از طریق ابزارهای الکترونیک و وسایل مدرن کمک‌آموزشی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد تا امکان جمع‌آوری و تحلیل داده‌های علمی پیچیده افزایش یابد. (Ibid: 21,22) بدین ترتیب، امتزاج آموزش سنتی و مدرن، منجر به تحقق جوامع معرفتی برابر و متعادل می‌شود؛ به‌گونه‌ای که هم‌زمان با آشنایی جوامع با فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، اعتماد به نفس شهروندان در بهره‌گیری از آنها در زندگی خصوصی و محیط حرفه‌ای افزایش می‌یابد. این رویکرد، زمینه پیوند بین آموزش و پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق به‌کارگیری شبکه‌های اطلاع‌رسانی را فراهم می‌سازد و با مشارکت و گفتگوی خلاق پژوهشگران و آموزگاران و سیاست‌گذاران و اعضای جامعه مدنی، فرآیند قرار گرفتن تحقیقات علمی در خدمت سیاست‌گذاری عمومی میسر می‌گردد.

هدف چهارم جوامع معرفتی، توسعه انسان‌محور است؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر احترام به شرافت و کرامت بشری، سرمایه‌ای کردن دانش، دسترسی همگان به علوم و اطلاعات، ارتقای ظرفیت‌ها و توانمندسازی بشر، در جهت انسانی کردن فرآیند جهانی شدن اقدام می‌شود؛ چراکه علم، کالای انسانی[□] قلمداد می‌شود. مشارکت مردم در اطلاعات، هم‌زمان با آموزش و ارتقای همکاری آنان با یکدیگر برای تبادل اطلاعات مستلزم تعهد شرافت‌مندان به نفع حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و نیز آزادی بیان است. لذا تضمین حمایت کامل از حقوق آموزش و دیگر حقوق فرهنگی،

شرطی ضروری برای جریان آزاد و دسترسی برابر همگان به اطلاعات و دانش در جامعه دانایی محور است که این مهم باید منجر به احترام به چندفرهنگی گرای، تعادل پویا بین فرهنگ‌های بومی و جهانی و امنیت انسانی به‌عنوان مبنای جوامع دانش‌مدار گردد. جوامع معرفتی به‌منظور دستیابی به توسعه انسان‌محور، بر آزادی بیان، جریان آزاد اطلاعات، امکان شکوفایی خلاقیت‌های بشری از طریق آموزش، احترام به باورها و اخلاقیات، تشویق به گشایش و گفتگو، قدردانی از تدبیر، عقلانیت، ارتباطات و همکاری و سالم‌سازی محیط فعالیت افراد حرفه‌ای در رسانه‌ها از طریق دفاع از آزادی رسانه‌ها تأکید می‌کنند.

۱-۴. شاخص‌های جامعه معرفتی

شاخص‌های جامعه معرفتی را می‌توان در سه جنبه کیفی، کمی و روشی مورد توجه قرار داد. منظور از شاخص‌های کیفی در یک جامعه دانش‌مدار، ملاک‌های رشد عرضی جامعه اطلاعاتی از قبیل بالا رفتن سطح علمی از طریق سرمایه‌گذاری در علوم و فن‌آوری، دقیق شدن امکانات و ابزارهای آموزشی در راستای توانمندی علمی فزاینده، تخصصی‌تر شدن علوم آموزشی، توسعه مدیریت دانش و مهارت‌های شناختی به‌منظور جلوگیری از فرار مغزهاست. نظام‌های معرفتی ضمن هم‌یاری در پیشرفت دانش موجود و کشف دانش‌های نوین، زمینه تولید سرمایه علمی و معرفتی برای توسعه پایدار و امکان تبادل و تعامل و فراگیری جوامع از یکدیگر را فراهم می‌آورند. جامعه معرفتی بر پایه علم و با هدف تاثیرگذاری بر کارآیی سیاست از رهگذر دسترسی تصمیم‌گیران به دانش بنا نهاده شده است تا مشکلات را از طریق خلاقیت و ارتقای ظرفیت‌های بشریت حل و فصل نماید.

منظور از شاخص‌های کمی در یک جامعه دانش‌محور، ملاک‌های رشد طولی جامعه اطلاعاتی از قبیل گسترش گروه‌های سنتی تحت آموزش، گسترش حجم تولید اطلاعات از رهگذر الکترونیکی کردن داده‌ها و گسترش و تنوع در ابزارها و

علوم مورد آموزش از راه شبکه ای کردن آموزش فراگیران است. فن آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، ابزاری آموزشی در خدمت نظام‌های آموزشی مؤثر و منطبق با نیازها به‌شمار می‌آیند. گسترش کمی ابزارهای اطلاعاتی می‌تواند زمینه کاهش شکاف علمی بین جوامع را فراهم آورد. وارد کردن اندیشمندان ملی و بین‌المللی در شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی و اعطای دانش علمی و اطلاعات م‌ؤثر به تصمیم‌گیران برای ایفای بهتر نقش خود در حکمرانی مناسب، امکان توزیع بهینه دانش و کاهش شکاف علمی در جوامع معرفتی را فراهم می‌سازد و به‌مدد گسترش و توسعه زیرساخت‌های شبکه‌های ارتباطی و بهبود ابزارهای پردازش اطلاعات و آموزش، پایه‌های دستیابی به توسعه پایدار تحقق می‌یابد. ارتقای ارتباطات بین‌المللی از طریق شبکه‌های الکترونیکی بین دانشگاه‌ها و نهادهای تحقیقاتی و بهینه‌سازی ابزارهای فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند در اثر شکل‌گیری حکومت الکترونیک، خدمات یادگیری الکترونیکی و خدمات بهداشتی الکترونیک همراه با خلاقیت‌های فکری و مهارتی بروز و ظهور یابد.

منظور از شاخص‌های روشی در جامعه معرفتی پیوند دانش عملیاتی و کاربردی با دانش محض و نظری است به‌گونه‌ای که هم تکمیلی در بعد نظری و کاربردی علوم می‌تواند منجر به شکوفایی مطالعات بین‌رشته‌ای^۱ شود. افزون بر این، مطالعات چندبعدی^۲ از طریق بررسی‌های تطبیقی و مقایسه‌ای و نیز ابتکارات مبتنی بر رهیافت چندسطحی و بین‌بخشی^۳ یا به‌عبارت دیگر، روش‌های متقاطع در زمره شاخص‌های روشی قرار می‌گیرند. تحلیل‌های متقاطع، بین‌رشته‌ای، چندرشته‌ای، تطبیقی و مقایسه‌ای می‌تواند منجر به سیاست‌های ابداعی و ابتکاری در سایه به‌رهوری از نتایج تحقیق، ترویج دانش، کاربرد علوم و تنوع یادگیری گردد. اهمیت بی‌بخشی‌گرایی^۴ به‌گونه‌ای است که

-
1. Interdisciplinary Studies .
 2. Multidimensional.
 3. Cross-Cutting approach.
 4. Intersectorality.

مشارکت کلیه اقشار جامعه را برای تحقق آموزش کیفی و توسعه پایدار میسر می‌آورد. این رویکرد منجر به تحقق جوامع مبتنی بر درک متقابل و گفتگو می‌شود و راه را برای رسیدن به جوامع ترجمه‌مدار^۱ هموار می‌سازد و زمینه را برای تنوع صداها، تکثر ایده‌ها و مبادله میان‌فرهنگی فراهم می‌آورد. (Primo, Ibid: 58-60)

۱-۵. فواید و پیامدهای جامعه معرفتی

جامعه معرفتی که منجر به ارتقای توانمندی‌های چندرشته‌ای جوامع می‌شود، موجبات دسترسی همگان به دانش و اطلاعات، افزایش یادگیری الکترونیکی و دسترسی عمومی به علوم الکترونیک، اهتمام به تنوع و هویت فرهنگی، ارتقای نقش و جایگاه رسانه، عنایت به تنوع زبانی و محتوای محلی و توجه به ابعاد اخلاقی جامعه اطلاعاتی را فراهم می‌آورد.

افزون بر این، جامعه معرفتی به برقراری آشتی بین نظام‌های معرفتی بومی و سنتی با نظام‌های معرفتی مدرن می‌پردازد؛ به گونه‌ای که درک متقابل و هم‌گرایی سیاست‌های علمی و معرفتی جوامع سنتی، بومی و مدرن را تسهیل می‌کند و بدین ترتیب، تحقیقات عمومی را در خدمت سیاست‌گذاری عمومی قرار می‌دهد. جامعه معرفتی منجر به تحقق جوامع فراگیر و دربردارنده آموزش برای همه و در طول زندگی و به صورت کیفی و الکترونیکی در عین اهتمام به تنوع فرهنگی و زبانی جامعه می‌شود. چنین جامعه دانایی‌محور در اثر تنوع و ظرفیت‌های متنوع تغذیه می‌شود و دربرگیرنده ابعاد اجتماعی، قومی، سیاسی و فنی است. از این رو نیروهای سنتی و مدرن همگی در فرآیند تقویت دانش در جامعه معرفتی مشارکت دارند؛ به گونه‌ای که دانش محلی و بومی با دانش شبکه ای در هم آمیخته می‌شود و سرمایه‌گذاری در آموزش کیفی و توسعه پایدار در فضایی تکثرپذیر، جامعه عمل می‌پوشد.

از دیگر پیامدهای جوامع معرفتی، احترام به ارزش‌های مادی و معنوی است. توجه به ارزش‌های اخلاقی، فکری و ذهنی و کاربرد آن در علم، دانش و فن آوری، تقویت توانمندی‌های اخلاقی دانشمندان و اهتمام به حقوق مالکیت معنوی نخبگان فکری و در عین حال، عنایت به ارزش‌های زیبایی شناختی برای انتقال معانی و پیام‌ها در زمره اولویت‌های جوامع دانایی محور به‌شمار می‌آید.

بمعاوضه، جوامع معرفتی درصددند نوعی اجماع جهانی در عرصه اخلاقی برای تأمین سعادت جوامع را تحقق بخشند؛ چراکه پیامد عمده جوامع معرفتی، دسترسی به پایداری و سعادت است. از این رهگذر، علم و دانش نقش عمده ای را برای ارتقای توسعه پایدار، سعادت جوامع و تضمین نسل‌های آینده ایفا می‌کنند. احترام به زندگی خصوصی، نفی تبعیض و معیارهای دوگانه و اهتمام به اصول برابری و عدالت و ارتقای پتانسیل علمی و فنی جوامع، زمینه‌های سعادت آنها را در جوامع دانش‌مدار فراهم می‌آورد.

در نهایت، جوامع معرفتی با اهتمام به توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی و مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی، به فقرزدایی و رفع حاشیه‌نشینی و کاهش شکاف علمی و دیجیتالی می‌اندیشند. از آنجا که تحقیقات و دانایی علمی، کالای عمومی به‌شمار می‌آیند، باید داده‌ها و اطلاعات علمی، عادلانه در اختیار همگان قرار گیرد تا شکاف دیجیتالی بین جوامع به حداقل برسد. لذا تقویت زیرساخت‌های تکنولوژیک و ارتقای محیط اجتماعی - اقتصادی در جامعه معرفتی، زمینه را برای تحقق توسعه پایدار فراهم می‌آورد. نیازسنجی دقیق برای تعیین اولویت‌ها و رفع کمبودها در ساختار جامعه دانش‌محور، گامی اساسی در راه توسعه اطلاعاتی و معرفتی جوامع در دو بعد طولی و عرضی به‌شمار می‌آید و زمینه دسترسی همگانی به دانش و معرفت را ایجاد می‌کند.

۲. اسلام و جامعه معرفتی

اسلام بر ساختن جامعه مبتنی بر دانش به منظور توسعه انسانی و کرامت بشری تأکید می‌ورزد. از نظر اسلام تولید و ترویج علم برای ارتقای خلاقیت‌های بشری امری ضروری محسوب می‌شود. اتخاذ یک دیدگاه معقول و جامع‌نگر با پیوند بین علم، ایمان، عمل و عقل، موجبات سازندگی تمدن اسلامی را فراهم می‌آورد. این رو شایسته است اهمیت و علم‌آموزی در جامعه معرفتی و نیز اصول، مبانی اهداف، شاخص‌ها و پیامدهای جامعه دانش‌محور را با الهام از تعالیم اسلام‌پرسی کنیم:

۲-۱. اهمیت دانش در جامعه معرفتی از دیدگاه اسلام

از دیدگاه قرآن، نقاط عطف تاریخ بشریت بر موضوع علم و دانش متمرکز بوده است که از آن جمله می‌توان به زمان خلقت آدم اشاره کرد که خداوند متعال، وی را مأمور تعلم اسمای الهی کرد: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره/ ۳۱)

نمونه دوم در زمان بعثت پیامبر اکرم(ص) در غار حرا و آن زمان است که به آن حضرت وحی شد «بخوان» و بدین ترتیب، بعثت با علم‌آموزی همراه بود. از نظر قرآن، علم‌آموزی از اهمیتی ویژه برخوردار است. شکوفایی علم و دانش در دوران اسلام بیش از سایر ادوار چشم‌گیر بوده و علم و تعلیم و تعلم، نقش بسزایی در پیدایش و رشد سریع فرهنگ و تمدن اسلامی داشته است. پیامبر اکرم(ص) پس از ورود به مدینه، به جامعه‌سازی بر پایه معارف دینی پرداخت و آن را بر اساس عقل و علم و مقابله با جهل و نادانی بنیان نهاد. (Sharif, 2006)

معجزه پیامبر اسلام(ص) کتاب است و در اولین آیات آن بر قرائت برای تحصیل علم و معرفت تأکید و می‌کند:

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق/ ۱) در قرآن بیش از هشتصدبار واژه علم و مشتقات آن به کار رفته است؛ ضمن آنکه صدها مرتبه از واژه های عقل، فکر و

معرفت و مشتقات آنها استفاده شده است. جایگاه دانش و دانشمند در اسلام بلند مرتبه است:

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر/ ۹)
«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»
(مجادله/ ۱۱)

پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «العلماء ورثة الانبياء» در اسلام دانش آموزی، دانشجویی و دانش پژوهی واجب است: «طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة» (مجلسی، ۱۴۲۱: ۷۷/ ۱۷۷) و حد و مرزی هم ندارد «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه/ ۱۱۴) چراکه به فرموده پیامبر اسلام (ص) «العلم رأس الخير كله و الجهل رأس الشر كله» (همان: ۱۷۵) و سعادت دنیا و آخرت در گرو علم آموزی است: «من اراد الدنيا فعليه بالعلم و من اراد الآخرة فعليه بالعلم، و من اراد هما معا فعليه بالعلم» (شريفالقرشي: ۱۳۳۹: ۱۸۸)

در روایتی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که فرمود:

إذا أتى عليّ يوم لا ازداد فيه علما يقربني إلى الله تعالى فلا بورك لي في طلوع الشمس ذلك اليوم؛ اگر روزی بر من برسد و علمی که مرا به مقام قرب حق برساند، به من اضافه نشود، در آن روز دمیدن نور خورشید بر من مبارک نیست. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱: ۶/ ۴۴۹)

همچنین ایشان بر تعلیم و تعلم تأکید می کند و می فرماید خداوند جاهل را در روز قیامت معذور نمی دارد:

قلب ليس فيه شيء من الحكمة كبيت خرب، فتعلموا و علّموا و تفقهوا و لاتموتوا

جهالا فان الله لا يعذر على الجهل؛ قلبی که چیزی از حکمت در آن نیست، مانند خانه‌ای خراب است؛ پس یاد بگیرد و یاد بدهد و بفهمد و جاهل از دنیا نروید، همانا خداوند در قیامت، جاهل را معذور نمی‌داند. (همان: ۶ / ۴۴۹)

اسلام تا آنجا پیش می‌رود که بین علم و تعلیم که بر آموزش استوار است، تلازم قائل می‌شود و رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «انما العلم بالتعليم؛ دانش با تلاش برای آموختن تحقق می‌یابد.»

بر پایه چنین آموزه‌ی است که مسلمانان در کنار بهره‌گیری از معارف دینی و تدبیر در ژرفای بی‌انتهای آن، به‌سمت آشنایی و بهره‌گیری از دستاوردهای علمی سایر ملتها و فرهنگ‌ها حرکت کردند و با ترجمه متون از زبان‌های مختلف، شبکه‌ای جامع از اطلاعات را در زمان خود شکل دادند که این خود نیز از آموزه‌ی اسلام است. قرآن می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر / ۱۸) رسول اعظم (ص) فرمود: «اطلبوا العلم ولو بالصبين» (مجلسی، همان: ۱۸۰ / ۱)

باب علم نبی، حضرت علی (ع) می‌فرماید: «العلم ضاله المؤمن فخذوه ولو من

ایدی المشركين.» (ابن عمير القرطبي، ۱۴۱۵: ۱۲۲)

بدین ترتیب، دانش در اسلام امری ضروری قلمداد می‌شود؛ چراکه اساس تمدن اسلامی بر پایه علم و دانش بنا نهاده شده است؛ به گونه‌ای که در عصر نوزایی و روشنگری در اروپا، متون اسلامی زیادی از عربی به لاتین ترجمه شد و تمدن اسلامی به‌عنوان مهد علم و دانش، پایه‌های جامعه معرفتی را بنیان‌گذاری کرد که غرب از آن بهره‌گرفت.

وقتی مسلمانان به دین خود تمسک جستند، تمدن عظیم را بنیان نهادند و به بشریت در حوزه‌های مختلف علمی خدمت فراوان کردند که دانشمندان منصف

غربی نیز آن را نقل و تأیید می‌کنند. شکوفائی اروپا در عصر رنسانس بدون ترجمه آثار مسلمانان در دوران حضور آنها در اسپانیا و نقاط دیگر امکان‌پذیر نبود. به گفته سیدحسین نصر:

تحقق علم جدید، به نحوی که در خلال رنسانس و به‌ویژه قرن هفدهم میلادی (یازدهم هجری) صورت گرفت، بدون ترجمه‌هایی که در قرون پیش عمدتاً در اسپانیا و گاهی در سیسیل و سایر بخش‌های ایتالیا از زبان عربی به لاتین انجام شده بود، ممکن نبود. (۱۳۸۲: ۲۶۵)

رمز توفیق مسلمانان در تمدن‌سازی و پیشرفت آن بود که اسلام از آغاز، علم را مشروط به ایمان می‌کند تا علمی متعهد و به‌سوی کانون هستی و کمال مطلق باشد و انسان را گرفتار طغیان نکند.

نکته دیگر در باب علم و دانش اینکه جهل‌زدایی، نقطه عزیمت جامعه معرفتی قلمداد می‌شود؛ به‌گونه‌ای که استناد حرکت فرهنگی و تمدنی اسلام بر پایه عقل و علم در تقابل با جهل و نادانی است. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «الجهل اصل کل شر.» (آمدی، ۱۳۷۸: ح ۱۰۱۶)

روایات بسیاری جهل را مرگ معنوی، زیان بارت‌تر از لقمه مضر در بدن برای زندگی، بیماری و رنج، کشنده و لغزش‌آور، به بارآورنده بدبختی ابدی، فاسدکننده معاد، ریشه فساد در تمام امور، معدن شر، دشمن خطرناک انسان، علت کفر و ضلالت، مانع قبول موعظه و نصیحت و موجب افراط و تفریط بیان می‌کنند. (نهج‌البلاغه، ح ۷۰ و ۴۳۸؛ محمدی ری‌شهری، همان: ۱۵۴/۴)

در جامعه معرفتی اسلام عقل - که در مقابل جهل قرار دارد - سنگ بناست و عقل به پیامبر درونی یاد شده است: «العقل شرع من داخل و الشرع عقل من خارج.»

(طریحی نجفی، ۱۴۱۴: ۵/۴۳۵) عقل (برای بشر) دین داخلی است؛ چنانکه دین (برای او) عقل خارجی است و هرآنچه عقل به آن حکم می‌کند، شرع نیز به آن حکم می‌کند و برعکس. از رسول خدا(ص) نقل شده است که «تکیه‌گاه بشر عقل اوست و آن کس که عقل ندارد، دین ندارد.» و «هیچ فقری شدیدتر از جهل، هیچ سرمایه‌ای پرفایده‌تر از عقل،... و هیچ عقلی مثل تدبیر نیست» (ابن‌بابویه قمی، ۱۴۲۱: ۳۷۵) و صفات جاهل این است که:

اگر با او معاشرت کنی، او را به رنج و زحمت اندازد؛ اگر از او کناره‌گیری نمایی، تو را سرزنش می‌کند؛ اگر چیزی به تو ببخشد، منت می‌نهد؛ اگر به او ببخشی، ناسپاسی می‌کند و اگر اسرار او را نزد او بگذاری، پنهان می‌رزد (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۱۲: ۲۸)

بدین ترتیب، با توجه به اهتمام اسلام به عقل و رفع جهل و جایگاه تاریخی علم و معرفت در دین اسلام، علم به‌عنوان بنیاد و نهاد جامعه معرفتی قلمداد می‌شود. تعلق یادگیری علم با اوصافی چون فریضه، ارتقای درجه، وراثت انبیا، سعادت‌بخشی در دنیا و آخرت و پرهیز از افتادن در ورطه طغیان و سرکشی و سرانجام نابودی، حاکی از نقش آن در تنظیم حیات بشری و حفاظت از انسان هاست؛ البته در صورتی که با ایمان همراه باشد؛ چراکه بشریت از رهگذر دانش، فرا می‌گیرد که چگونه زندگی کند و چگونه اراده خداوندی را بر زندگی خود در حوزه‌های فردی و اجتماعی حاکم گرداند. این ایمان است که چراغ راه هدایت را فراروی او قرار می‌دهد و او را نسبت به تعهدات و وظایف فردی خود آگاه می‌کند.

۲-۲. اصول و مبانی جوامع معرفتی در اسلام

بمطور کلی، جوامع معرفتی در اسلام بر سه محور عقل، دانش و اخلاق استوارند؛ زیرا از نظر اسلام، جستجوی حقیقت و تعالی فردی از طریق اهتمام به سه پایه فوق امکان‌پذیر است. در آموزه‌های اسلامی، علاوه بر اینکه عقل، بنیاد ایمان و در مقابل

چهل بهشمار می‌آید، دانش به‌دست‌آمده از مشاهده، تجربه □ و تعمیم □ در صورتی مقبول است که مسبوق به تعمق و تدبر □ باشد. از این‌رو آنچه در قرآن با عنوان «تدبر» آمده است، به‌معنای کاربرد عقل و خرد برای درک و فهم ماهیت و ژرفای موضوعات عالم خلقت است.

افزون بر این، عقل و ایمان با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند و دارای پیامدهای زیر هستند:

یک. حاکمیت یقین بر ظن و گمان؛

دو. حاکمیت حقیقت بر هوا و هوس؛

سه. حاکمیت برهان و استدلال بر تقلید کورکورانه و قضاوت های پیشینی و کلیشه‌ای؛

چهار. حاکمیت هدایت و روشنگری بر ضلالت تفرعن و دیکتاتوری سرکوبگر و تعقل و تدبر از نظر اسلام مظهر روشنگری، حقیقت‌جویی و هدایت‌یابی و نافی ضلالت است. خداوند متعال در قرآن کریم، مردم را فراروی دو گزینه هدایت و ضلالت قرار می‌دهد تا با سنجش پیامدهای هر کدام، تشخیص خود را انجام دهند و به سودمندی علم و حقیقت و خردورزی و ارزش ذاتی آنها پی ببرند. بر اساس تعالیم قرآنی، افراد ظالم خواهان تحمیل منافع خودخواهانه خویش و منقادسازی دیگران نسبت به اوامر استخفاف‌آمیز خود هستند.

بنیاد دیگر جوامع معرفتی دانش است که دو بعد دانش متافیزیک و تجربی را دربر می‌گیرد. هدف دانش متافیزیک حقیقت‌یابی است که علمی ضروری قلمداد می‌شود. اسلام در عین آنکه به جنبه متافیزیکی دانش برای دستیابی به حقیقت اهتمام دارد، به دانش تجربی برای کشف هستی‌فیزیکی و واقعیت‌یابی نیز عنایت

-
1. Observation.
 2. Experimentation.
 3. Generalization.
 4. Reflection.

خاص دارد؛ لیکن برای شناخت عالم ماده، معتقد به لزوم برخورداری از چارچوبی فلسفی و مفهومی است که از رهگذر آن بتوان به داده‌های ناشی از درک حس معنا بخشید و در عین حال به درک خویشتن از واقعیت‌ها و علوم، انسجام و سازواری بخشید.

درواقع علاوه بر آنکه علوم متافیزیک باید فرا گرفته شود، برای بهبود و حسن کارکرد جامعه اسلامی، دستیابی به علوم جدید از قبیل علوم پایه و تجربی و صنایع و فن‌آوری‌های پیشرفته لازم است و حتی یادگیری آن واجب کفایی است. فراگیری دانش تجربی و فن‌آوری پیشرفته به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر معرفت‌شناسی اسلام است: «وَلَا تَسْ نَصِيْبِكَ مِنَ الدُّنْيَا.» (قصص / ۷۷) (Sharif, 2006: 1)

بنیاد سوم جامعه معرفتی اخلاق است. پیامبر اکرم (ص) که با «اَقْرَأْ» مبعوث شده‌اند، فرموده‌اند «انما بعثت لاتمم مكارم الاخلاق.» بدین‌گونه دانش و اخلاق در فلسفه بعثت، دو امر متلازم با یکدیگر بوده‌اند. در اهمیت اخلاق در اسلام همین بس که عدیل اعتقادات و عبادات دانسته شده و اساس علم‌آموزی محسوب گردیده است؛ به‌گونه‌ای که اگر علم با تهذیب همراه نباشد، به فساد می‌انجامد و برای انسان مضر می‌گردد. از این‌رو در روایات بر «العلم النافع» تأکید گردیده است؛ چراکه دانش با اتکا به اخلاقیات، هدفمند و هدف‌محور می‌گردد و در مسیر سعادت و تعالی بشری رهنمون می‌شود.

۲-۳. اهداف جامعه معرفتی از دیدگاه اسلام

جامعه معرفتی به تنوع و تکثر احترام می‌گذارد؛ ولی در عین حال تحقق هدفی واحد را در نظر دارد. نخستین هدف آن از دیدگاه اسلام «وحدت در عین کثرت» است؛ به‌گونه‌ای که در عین تکثرباوری فرهنگی و حفظ اختلافات طبیعی در دیدگاه‌ها، در جهت انسجام‌بخشی عملی و همبستگی آگاهانه اجزای اجتماع، از طریق تفاهم و

گفتگو گام برداشته شود. جامعه معرفتی به سوی تعامل مثبت جوامع برای بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و فرهنگی یکدیگر و نفی منازعات گروهی در سطوح ملی و بین‌المللی حرکت می‌کند.

از آنجا که جامعه مبتنی بر دانایی و آگاهی جامعه‌ای است که میزان همبستگی اجزای آن بیشتر است و در مسیر انسجام و وحدت اجتماعی حرکت می‌کند، اسلام به‌عنوان دین توحید که بر پایه «از او بی» و «به سوی او بی» استوار است، بر تحقق چنین جامعه‌ای تأکید دارد. در چنین جامعه‌ای شاهد وحدت در کثرت هستیم و اعتصام جمعی به حبل‌الاهی و پرهیز از عوامل تفرقه، محور حرکت اجتماعی است؛ چراکه همین جدایی‌هاست که آتش فتنه و نزاع را روشن می‌کند. در جامعه دانایی‌محور، اساس بر تفاهم و گفتگو با حفظ اختلافات در روش‌هاست. در بستر آرامش و همدلی و هم‌اندیشی است که سعادت نوع بشر تأمین می‌شود و زمینه تکامل و توسعه فراهم می‌گردد.

دومین هدف جامعه معرفتی، توسعه انسان‌محور در عین تلاش برای نیل به تعالی و تکامل معنوی است. اگر توسعه را فرآیندی افقی بدانیم که هدف آن سعادت مادی و معنوی و آرامش و همدلی در سطح جامعه است، تعالی فرآیندی عمودی خواهد بود که خواهان توسعه انسانی و تلاش برای نیل به کمال مطلوب معنوی و دسترسی به علم نافع مبتنی بر پیوند علم و ایمان و علم جهت‌دار است. تأکید اسلام بر کرامت و شرافت انسانی در پرتو تعالیم و حیانی و آموزه‌های دینی و هدف قرار دادن دستیابی به عدالت بین‌المللی و ترویج اخلاق علمی بیانگر آن است که جامعه معرفتی باید بر اساس آگاهی و آزاداندیشی انسان و انسانیت تلاش نماید تا انسان را به کمال مطلوب (قرب‌الاهی) برساند. در این مسیر، بازگشت به خویشتن و فطرت پاک‌الاهی، از ضرورت‌های وصول به توسعه انسان‌محور در مسیر رشد فردی و اجتماعی به‌شمار می‌آید. جامعه معرفتی اسلام بر پایه خودشناسی انسان استوار است تا با شناخت دقیق از ظرفیت‌های وجودی خود در مسیر کمال حرکت کند و

فراموش نکند که در درون انسان، دنیایی بزرگ نهفته است؛ آن گونه که در شعر منسوب به حضرت علی(ع) آمده است:

اتزعم انک جرم صغیر وفیک انطوی العالم الاکبر

و مولوی آن را این گونه بیان می کند:

پس به صورت عالم اصغر تویی پس به معنی عالم اکبر تویی

(۱۳۷۱: د ۴/ب ۵۲۱)

یا در جایی دیگر می گوید:

بحر علمی در نمی پنهان شده در سه گزتن، عالمی پنهان شده

(همان: د ۵/ب ۵۷۹)

هدف سوم جامعه معرفتی اسلام، آگاهی بخشی و جهل زدایی است. امروزه باید ریشه مشکلات بشری را در جهل، اعم از نوع سنتی و مدرن آن جستجو کرد. در عصر کنونی اطلاعات و ارتباطات، جهل عمومی به شکل تناقض نمایی در بسیاری از جوامع، به ویژه جوامع توسعه یافته مشاهده می شود که صاحبان زر و زور از آن برای گسترش سلطه و استبداد خود بر مقدرات افراد و ملت ها بهره می جویند. پیچیدگی این نوع جهل، یکی از علائم استعمار فرانو است و همین وجه تناقض نمای آن است که به جهل مرکب دامن می زند؛ به گونه ای که فرد و جامعه نمی دانند که نمی دانند. آنان به رغم تلاش و تکاپو، در مرداب جهل بیشتر فرو می روند تا آنجا که به مرگ معنوی دچار می شوند، به انسان های فاقد مسؤولیت و شناخت تبدیل می شوند و با از دست دادن تعادل فکری و روحی، گرفتار افراط و تفریط می شوند. از آنجا که گرفتار جهل هستند، دشمن نادانسته ها می شوند: «الناس اعداء ما جهلوا»

(نهج البلاغه/ح ۴۳۸)

از این رو هدف جامعه معرفتی اسلام، آگاهی بخشی توأم با مسؤولیت و شناخت، جهل زدایی و حقیقت یابی و به طور کلی، نفی جهل سنتی و مدرن در دوران کنونی به منظور فائق آمدن بر جاهلیت کهنه، نو و پسانو است؛ به گونه ای که از نظر اسلام،

فرد و جامعه جاهل، عوامل اصلی بحران‌ها و منازعات گروهی و جمعی در سطوح ملی و بین‌المللی قلمداد می‌شوند و یا زمینه مناسبی را برای طراحان طرح‌های شوم جنگ و خونریزی فراهم می‌کنند. جاهلیت در طول زمان به رغم تغییر شکل و صورت، ماهیت خود را حفظ کرده است؛ لذا جریان آگاهی‌بخشی ادیان الهی مانند اسلام، مقابله با کلیه انواع و ابعاد جاهلیت را در دستور کار خود دارد.

چهارمین هدف جامعه معرفتی، تحقق جامعه‌ای نمونه است: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا». (بقره / ۱۴۳) همین جامعه الگو و نمونه که هدف آن دستیابی به همبستگی و دانایی محوری بر پایه معارف دینی و عدالت و کرامت انسانی است، به تحقق توسعه‌ای پایدار و جامع می‌انجامد. از این‌رو جامعه‌سازی موردنظر اسلام بر پایه دانش، شناخت، بستری مناسب برای جنبش نرم‌افزاری و تولید علم آماده می‌کند که منجر به ارتقای اقتدار تمدن اسلامی می‌گردد.

۲-۴. شاخص‌های جامعه معرفتی اسلام

اساس جامعه معرفتی اسلام بر «شناخت» استوار است که آن هم بر خودشناسی، دگرشناسی، جهان‌شناسی و خداشناسی مبتنی است. خودشناسی همان شناخت ارزش‌های درونی خود، بازگشت به خویشتن خویش و رجوع به فطرت پاک الهی است که اساس توسعه انسان‌محور را تشکیل می‌دهد. ت‌ اکید روایات بر اهمیت شناخت خویشتن که مقدمه شناخت پروردگار قلمداد می‌شود (من عرف نفسه فقد عرف ربه) نشانگر محوریت خودشناسی در جامعه معرفتی اسلام است. از دل خودشناسی، شناخت جامعه و انسان‌های دیگر یا «سیر من الخلق الی الحق» هموار می‌گردد و فرد به چنان شناختی از جهان خلقت رهنمون می‌شود که با زبان شهودی ندا در می‌دهد: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا». (آل عمران / ۱۹۱) و بدین

ترتیب، حداقل با برهان نظم - اگر از اشراق موجود در برهان صدیقین بهره‌مند نباشد - به وجود خالق هستی بخش پی می‌برد.

چهار پایه شناخت در قرآن را می‌توان « یسمعون»، «یبصرون»، «یعقلون» و «یفقهون» دانست که اساس تحول ذهنی و فکری یک انسان را تشکیل می‌دهند. گوش فرا دادن با توجه یا قدرت دریافت کنندگی مطالب معقول (یسمعون) و مشاهده توأم با تعمق، آگاهی و کنجکاوی یا توان عینیت گرایی (یبصرون) نوعی شناخت تجربی به‌شمار می‌آیند که بر اساس آموزه‌های دینی، با شنیدن به گوش جان و بصیرت درونی نیز همراه هستند. تعقل و استدلال برای واقعیت یابی و واقعیت‌شناسی (یعقلون) اساس تفکر برهانی و استدلالی مبتنی بر کاربرد خرد برای شناخت احسن را در شناخت اسلامی تشکیل می‌دهد. «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر / ۱۸) حقیقت شناسی ناشی از تامل، تعمق، تحقیق، تفکر و تدبر (یفقهون) که از دل معرفت قلبی و ادراکی، نورانیت و بصیرت باطنی و معنوی برمی‌خیزد، با اشراق و تفضل الاهی در حقیقت یابی نیز همراه است و نوری است که «یقدفه الله فی قلب من یشاء».

البته اسلام برای رسیدن به چهار اصل شناخت در جوامع معرفتی، نه تنها بهره‌گیری از ابزارهای نوین را نفی نمی‌کند، استفاده از آنها را برای مهندسی جامعه معرفتی مستحسن می‌داند. از این‌رو شایسته است به سرمایه‌گذاری برای ارتقای کیفی بنیادهای شناخت و برنامه‌ریزی برای طراحی و نظام‌مندی داده‌های اطلاعاتی بمنظور تجهیز شناخت به ابزارهای نوین ارتباطی در جوامع دانایی‌محور اهتمام شود.

۲-۵. فوایع و پیامدهای جامعه معرفتی اسلام

مهم‌ترین پیامد جامعه معرفتی اسلام، تحقق جامعه‌ای سعادت‌مند است. اگر جامعه

اطلاعاتی، مقدمه‌ای ضروری برای دسترسی به جامعه دانایی محور و آن هم مقدمه‌ای برای دسترسی به جامعه مقتدر است، از نظر اسلام جامعه دانش مدار باید به تبدیل اقتدار به سعادت‌مندی بشر توجه داشته باشد. این مهم در پرتو اهتمام به شرافت انسان و کرامت بشری و دستیابی همگان به علم نافع و سودمند ، بدون هیچ‌گونه تبعیض و بی‌عدالتی است. در اینجا است که شعار عادلانه «دانش برای همه»^۱ و جهانی شدن دانش بر اساس انسانی کردن روند جهانی شدن، موجبات پیشرفت و تعالی جامعه بشری را فراهم می‌آورد. چنین جامعه مبتنی بر دانش و تولید علم، زمینه‌ساز نوزایی فرهنگی و احیای تمدن اسلامی و در نتیجه روشنگری جهانی برای کاهش نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها و رفع فساد و تبعیض در عرصه بین‌المللی به‌شمار می‌آید. در چنین جامعه‌ای تولید علم ثمربخش، امری مربوط به تمامی انسان‌هاست که سعادت دنیوی و اخروی آنان را تامین و تضمین می‌کند ؛ به‌نحوی که علم و دین در کنار هم و دوشادوش یکدیگر در خدمت سعادت دنیوی و اخروی انسان قرار می‌گیرند.

اساس جامعه معرفتی سعادت‌محور در اسلام را مفهوم سازی، اندیشه ورزی و معنابخشی بر اساس دانش ایمانی تشکیل می‌دهد. بدین معنا که برای نوزایی علمی و فرهنگی باید به تولید معنا و مفاهیم جدید و عمیق مبتنی بر ژرفای اندیشه اسلامی مبادرت ورزید تا بتوان در پیام‌رسانی بلیغ و مؤثر به جهانیان و روشنگری جهانی توفیق یافت. در چنین جامعه ای، ابزار و فن آوری در برابر معنا و محتوا محوری رنگ می‌بازد؛ چراکه جامعه معرفتی اسلام به ارائه اندیشه هایی می‌پردازد که قلوب مردم را تسخیر کند، در جان مخاطب بنشیند و با نیازهای فطری وی متناسب باشد. اسلام با تولید مفاهیم و پیام‌های ارزشمند برای جهانیان و با تکیه بر قدرت نرم‌افزاری مفهوم‌سازی و پیام‌دهی، از نقش سازنده‌ای برای تولید

اندیشه‌ها و اعتقادات برخوردار است؛ زیرا مرزهای جغرافیایی را درمی‌نوردد و فارغ از جنس، نژاد، زبان و رنگ، امکان دسترسی همگانی به آگاهی و دانش کیفی و سودمند را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، معرفت اصلی‌ترین منبع سعادت محوری و قابل اعتمادترین مؤلفه قدرت نرم‌افزاری در تمدن اسلامی به‌شمار می‌آید.

پیامد دوم جامعه معرفتی اسلام که از دل جامعه سعادت‌مند برمی‌خیزد، تمدن‌سازی است؛ بدین معنا که تمدن اسلامی بر پایه تولید علم و دانش به گونه‌ای احیا شود که در تمامی حوزه‌های علمی به بشریت کمک کند تا از این رهگذر به ظرفیت‌سازی و ارتقای خلاقیت‌های بشری برای تعالی مادی و معنوی بشر بر پایه علم الهی مبادرت ورزد. این مهم در پرتو سرمایه‌گذاری در آموزش کیفی، ایجاد قطب‌های علمی و دانشگاهی، پیوند و همبستگی حکومت و مردم، انسجام و همبستگی اجتماعی و عدالت‌گرایی بین‌المللی فراهم می‌آید؛ به گونه‌ای که عدالت علاوه بر آنکه بین آحاد جامعه اسلامی و انسانی تحقق می‌یابد، در قواعد و هنجارهای بین‌المللی نیز نهادینه می‌شود و در آن صورت عدالت در خدمت انسانیت قرار می‌گیرد. در صدر اسلام نیز حرکت علمی جامعه نوپای اسلامی و به تعبیر امروزی، جنبش نرم‌افزاری به‌عنوان تکلیف دینی و الهی شکل گرفت؛ به گونه‌ای که علم و دین چونان دو روی یک سکه در جهش فرهنگی و تمدنی، گام‌های مؤثر و عملی برداشتند. در اثر این تحول شگرف علمی، تمدن اسلامی که از عربستان طلوع کرد، توانست بر نیمی از حوزه مدیترانه تسلط یابد و دین اسلام را در آنجا بسط دهد. این واقعیت از نظر ویل دورانت از عجیب‌ترین حوادث اجتماعی قرون وسطی محسوب می‌گردد. (۱۳۶۷: ۴/۱۹۷)

۳. سنجش جامعه معرفتی غرب و اسلام

در این گفتار تلاش می‌شود وجوه اشتراک و افتراق جامعه معرفتی غرب و اسلام

مورد بازشناسی قرار گیرد تا ضمن تبیین مشترکات دیدگاهی، جنبه‌های تمایز و افتراق نیز شناسایی شود.

۳-۱. وجوه اشتراک جامعه معرفتی غرب و اسلام

آنچه در باب وجوه اشتراک این دو جامعه بیان می‌شود، از جنبه نظری است؛ چراکه برخی از بنیادهای تئوریک مطرح‌شده در جامعه غرب عملاً تحقق نیافته است؛ لیکن از سوی اندیشمندان و نظریه‌پردازان جامعه معرفتی مورد تأکید قرار گرفته است که از این لحاظ، وجوه اشتراک در نظام فکری از جنبه نظری به شرح زیر استنتاج و استخراج شده است:

- تلقی دانش به‌عنوان سرمایه اجتماعی برای همگان و لزوم فراهم آوردن طرح‌های آگاهی‌بخش برای تسهیل و ارتقای فرصت‌های دسترسی برابر همگان به دانش و علوم و فنون پیشرفته؛
- تأکید بر لزوم برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری جهت ظرفیت‌سازی علمی و فرهنگی با اهتمام به تنوع میراث فرهنگی معنوی جوامع و حفظ حافظه جوامع؛
- لزوم احترام و اهتمام به شرافت و کرامت بشری و مسؤولیت‌پذیری انسان؛
- اهمیت اتخاذ رویکرد مطالعات بین‌رشته‌ای، چندرشته‌ای، بینابخشی و ابتکارات چندسطحی در جوامع معرفتی و پیوند و تلفیق خلاق بین معرفت سنتی، دانش بومی و دانش مدرن برای ارتقای فرصت مشارکت فعال تمامی گروه‌های متنوع فرهنگی و زبانی در پایه‌ریزی جوامع معرفتی؛
- تأکید بر نقش تعیین‌کننده یادگیری در توسعه پایدار به‌منظور کاهش فقر و تقلیل شکاف علمی[□] و دیجیتالی[□] بین جوامع برخوردار و غیر برخوردار؛
- تلقی دانش، اطلاعات، آگاهی و آموزش کیفی به‌عنوان منابع عمده ثروت، قلب

1. Knowledge divide.

2. Digital divide.

توسعه نرم‌افزاری و ابتکاری، مفهوم مرکزی تغییرات و دگرگونی های اجتماعی و سازوکاری برای تحول ذهنی و عینی و تغییر ایستارهای جوامع؛
- تأکید بر گفتگوی میان فرهنگی و فراگیری متقابل جوامع از یکدیگر؛
- تأکید بر لزوم رشد علمی، تولید علم، تحقیق و آموزش به‌عنوان شاخص های توسعه انسانی؛
- تکرپذیری در فرآیند رشد و شکوفایی جوامع؛
- ارتباط جامعه معرفتی با حفظ کره مسکون.

۲-۳. وجوه افتراق جامعه معرفتی اسلام و غرب

آنچه در پی می‌آید، تمایز دیدگاه‌های اسلام و غرب در خصوص بنیادهای جامعه معرفتی است که در برخی موارد به ذکر مصادیق و نمودهای اندیشه در عرصه عمل به‌ویژه در جامعه غرب اشاره شده است. ذکر این نکته ضروری است که اسلام در عرصه علم بر غرب متقدم بوده و اساس دین اسلام بر علم و دانش استوار بوده است؛ درحالی‌که جهان غرب به‌ویژه در دوران قرون وسطا با تکیه بر جزم‌های فکری ناشی از استنباطات غلط از دین مسیحیت، در تعارض با علم بوده است و اگر به علم توجهی هم نموده‌اند، پس از عصر رنسانس و نوزایی بوده است که در این دوره، نگاه علمی از نگاه دینی مجزا و متمایز گردید. حال آنکه در اسلام، علم از درون دین نشأت می‌گیرد و بر آن مبتنی است. معجزه اسلام، کتاب (نوشته آسمانی) و قلم (ن والقلم) و خواندن (اقرأ) بوده است و این اختلاف را باید یک گام فراتر دید و آن جهان‌بینی اسلامی است که بر پایه علم استوار است؛ به‌گونه‌ای که اسلام، پایه‌ای‌ترین اصول اعتقادی دین را به حوزه دانش و تحقیق می‌سپارد. نکته دوم آنکه، تعلیم و تعلم در غرب اختیاری است؛ درحالی‌که علم آموزی در اسلام واجب و فریضه دینی به‌شمار می‌آید که علاوه بر اخروی‌گرایی، منافع دنیوی نیز در آن نهفته است. همه افراد بشر مسؤول هستند و باید پاسخ دهند که آیا خود

را در معرض علم و آگاهی قرار داده‌اند یا خیر: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا.» (اسراء/ ۳۶) نادانی فرد، حجتی مقبول نزد خداوند ب ه شمار نمی‌آید؛ چراکه تکلیف دینی انسان - نه تکلیف وضعی بشری - اقتضای فراگیری دانش را داشته است.

بدین ترتیب می‌توان دریافت که از نظر اسلام، علم و ایمان با یکدیگر تلازم و پیوستگی دارند؛ درحالی‌که در غرب، علم و ایمان دو حوزه مجزا از یکدیگر قلمداد می‌شوند. از همین‌رو تمدن غرب از علم، بت ساخته است و از تکنولوژی ب عنوان ابزاری برای سلطه و استعمار و عقب نگاه داشتن ملت‌ها بهره گرفته است حال آنکه اسلام، علم و ایمان را با یکدیگر ملازم می‌داند تا انسان به درجه کمال نائل آید و از افتادن در ورطه طغیان و سرکشی و سرانجام نابودی اجتناب ورزد. جامعه معرفتی موردنظر اسلام که همان جامعه اسلامی نمونه است و اندیشه دینی به دنبال تحقق آن است، جامعه‌ای علمی و ایمانی است که عمودهای خیمه بلند آن، دین و دانش است. بدین ترتیب، جریان تمدن‌سازی اسلامی براساس نظریه «دانش، قدرت است» شکل می‌یابد.

غرب خواهان تحقق جامعه قدرتمند محض است؛ درحالی‌که اسلام خواهان جامعه قدرتمندی است که در خدمت سعادت بشر باشد. از نظر اسلام، کسی که ایمان به خدا داشته باشد و علم‌آموزی را تکلیف الهی بداند، جهت زندگی او در مسیر تعالی مادی و معنوی و سعادت دنیوی و اخروی رقم می‌خورد؛ به‌گونه‌ای که سعادت خود یا کشور یا قاره خود را در نظر نمی‌گیرد؛ بلکه سعادت نوع بشر را در هر زمان و مکان و در هر عصر و مصر خواستار است. بدین ترتیب، جهت‌گیری غرب، تحقق جامعه مقتدری است که در اثر تبدیل اطلاعات به دانایی پدید آمده است؛ درحالی‌که جهت‌گیری اسلام به‌سوی جامعه‌ای سعادت‌مند است که اقتدار، دانایی و اطلاعات را با هدف انسجام و همبستگی اجتماعی و بر اساس آگاهی و خشیت و

نفی خشونت، جهت تحقق سعادت بشری پیوند می‌دهد.

با توجه به چنین اختلاف رویکردی است که جامعه معرفتی غرب عملاً به محروم‌سازی ملت‌ها از دانش مبادرت می‌ورزد و با تقسیم آنان به شهروندان درجه یک و دو درصدد استعمار و استثمار منابع ملت های محروم برمی آید. چنین عملکردی با هدف تسلط فرهنگ واحد یا هژمونی فرهنگی کشورهای پیشرفته به جنگ و خشونت‌طلبی می‌انجامد. هدف جامعه دانایی محور غرب ، تثبیت برتری علمی و فن‌آوری بر کشورهای در حال توسعه و یکسان سازی فرهنگی در عرصه بین‌المللی است. به‌رغم ادعای جامعه غرب مبنی بر تقویت مشارکت عمومی و تسهیل دسترسی آزاد جوامع به علوم و فنون، تمایل کنونی آن مبنی بر یکسان‌سازی فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی، علمی و ارتباطی نگران کننده است ؛ چراکه این خطر را دربر دارد که یکسان‌سازی را در محتوا و شیوه‌های فکری تحمیل کند و به ضرر تنوع جهانی تولید علم بینجامد. (Unesco, 2004: 17) این در حالی است که در اسلام، هم تلاش نظری و هم کوشش عملی برای دسترسی آزاد کلیه جوامع به دانش و علوم پیشرفته صورت می‌گیرد.

جامعه دانایی‌محور اسلام در عین احترام به تکثر فرهنگی، خواهان انسجام فکری و اشتراک جهتی است؛ چراکه هدف از جامعه معرفتی را عبادت، خدمت، سعادت مادی و معنوی، پیشرفت دنیوی و عاقبت اخروی می‌داند. بدین ترتیب، دانش خدامحور از دیدگاه اسلام - که برای اخلاق در علم، اهمیت ویژه‌ای قائل است و نافع بودن علم برای فرد و جامعه را در نظر دارد. - در جهتی مغایر با دانش انسان‌محور غرب قرار دارد. دانش خدامحور به تعالی انسان از جنبه عمودی اهتمام دارد؛ درحالی‌که دانش انسان‌محور غرب بر توسعه از جنبه افقی ت اکید دارد و به کمال انسانی رهنمون نمی‌شود.

نکته دیگر آنکه، دانش در اسلام در خدمت فرد، قشر یا جریان خاصی قرار ندارد؛ بر خلاف کشورهای غربی که امروزه پیشگام در عرصه دانش هستند ؛ اما ورود به حوزه علم، مخصوص طبقه خاصی است. طبقاتی کردن علم در چنین جوامعی قبل

از عصر روشنگری نیز وجود داشت؛ حال آنکه اسلام بر لزوم نفع‌رسانی عمومی به کل جامعه و به تمامی اقشار اجتماعی و گروه‌های سنی تأکید می‌کند. تمایز دیگر آنکه، دانش از نظر اسلام، علاوه بر آنکه امنیت بیرونی را در پی دارد، به امنیت درونی انسان نیز می‌انجامد و علم بر پایه ایمان، نوعی امنیت و آرامش را برای فرد فراهم می‌سازد. از این‌رو ریشه ایمان و امنیت از «أمن» برگرفته شده است. در جامعه معرفتی، علم و ایمان دو روی یک سکه هستند و دو بال پیشرفت و تکامل بشری و امنیت انسانی قلمداد می‌شوند. این امنیت نه تنها در حوزه بیرونی که در عرصه درونی نیز تحقق می‌یابد. در پرتو اعتماد به نفس، عدم تزلزل خاطر و عدم ترس از غیر خداست که نوعی آرامش و امنیت درونی در فرد به‌وجود می‌آید و این امنیت درونی با خشیت پیوند خورده است؛ خشیتی که تنها برای عالمان حاصل می‌شود: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر / ۲۸) و ترس از سرِ درک است که به امنیت درونی فرد منجر می‌شود، نه خوف و ترس ناشی از دلهره.

نتیجه

علم، معرفت و عقل در جوامع معرفتی اسلامی و غربی مورد اهتمام دو نظام فکری اسلام و غرب قرار دارد و دانش در اسلام در مقایسه با غرب متقدم بوده است. تمدن مبتنی بر علم الهی و جهت‌دار با تمدن سکولار و الحادی از نظر نوع رویکرد به علوم متفاوتند. تمدن غربی انحصارگرا و خودگراست؛ در حالی که تمدن اسلامی خواهان امکان دسترسی همگان به علوم و دانش برای تحقق سعادت‌مندی بشر است. این در حالی است که تمدن غرب به‌رغم ادعای علم‌باوری، نوعی جه‌الت و جاهلیت مدرن را که بر اساس کلیشه‌های ذهنی و پیش‌داوری‌ها عمل می‌کند، در عصر اطلاعات پی می‌گیرد. عمل جامعه غرب نشان داده است که با توجه به جهت‌گیری آن بر اساس قدرت بشری، بر خلاف اندیشه آزاد عمل می‌کند. جامعه معرفتی غرب قطبی‌شده، طبقاتی‌شده، منقسم به شهروند درجه یک و دو، گرفتار خشونت و تقسیم‌کننده جهان به مرکز و پیرامون و دارا و ندار است؛ حال آنکه جامعه معرفتی موردنظر اسلام که بر جهل‌زدایی و پیوند علم و ایمان استوار است، با توجه به هدف

تحقق بخشی به جامعه سعادت مند دنیوی و دستیابی به عاقبت مطلوب اخروی، نوعی توازن بین دو بعد مادی و معنوی انسان برقرار ساخته است. چنین جامعه‌ای، انسان عارف و مؤمن را وادار می‌کند تا صرفاً به خود و جامعه خویش توجه ن‌نماید؛ بلکه سعادت نوع بشر را مورد اهتمام قرار دهد و با ساختن جامعه الگو یا امت وسط : «وَكذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لَّتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (بقره / ۱۴۳) زمینه تحقق جامعه معرفتی فراگیر بشر را فراهم سازد که همگان در آن امکان دسترسی آزاد به دانش و رفاه، پیشرفت و اخلاق و تامین ابعاد مادی و معنوی حیات مطلوب اجتماعی را داشته باشند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه
۳. آمدی، عبدالواحد، ۱۳۸۱، *غررالحکم و دررالحکم*، بی‌جا.
۴. ابن بابویه قمی، محمدبن محمد، ۱۴۲۱، *التوحید*.
۵. ابن شعبه حرانی، ابومحمد حسن بن علی، ۱۴۱۲، *تحف العقول عن آل الرسول*، قم، جماعه المدرسين بقم المشرفه.
۶. ابن عمیر القرطبی، یوسف عبدالبر، بی تا، *جامع البیان للعلم و فضله*، بیروت، مؤسسه الكتاب الثقافیه.
۷. حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت (ع) احیاء التراث.
۸. دورانت، ۱۳۶۷، *ویلیام جیمز*، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۹. شریف القرشی، باقر، ۱۳۳۱، *النظام التربوی فی الاسلام*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۰. طریحی نجفی، فخرالدین بن محمد، ۱۴۱۴، *مجمع البحرین*، قم، بعثت.

۱۱. نصر، سید حسین ، ۱۳۸۲، *جوان مسلمان و دنیای متجدد* ، ترجمه مرتضی اسعدی ، تهران، طرح نو.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۲۱، *بحارالانوار*، تهران ، به کمک جواد العلوی و محمد الاخوندی.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۱، *میزان الحکمه*، قم، مؤسسه دارالحدیث.
۱۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲، *ده گفتار*، قم، صدرا.
۱۵. مکی عاملی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۶، *منیه المرید فی آداب المفید و المستفی د*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۶. مولوی، جلال الدین محمد، ۱۳۷۱، *مثنوی معنوی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
17. Unesco, 2004, *la science dans la societed information*.
18. Executive of unesco. *Thematic debate Item, 1, 177ex/ine.6*
19. Primo, natash, 2003, *gender Issues in the information society*, unescor.
20. Fergany, nadir, *islamand science: steps towards reform*
21. Sharif, surtheel, 2006, *holistic knowldges religious imperative*, the JAWZIYYAH institute.
22. Kamali, mohammad hashim, 2005, *rationality and scienee*.
23. Jawad sulaiman, saked, 2007, *knowlese society: Amiddel East Gateway fornon – profit organizations*.
24. Unesco, 2005, *towards knowledye societies*. Unesco publication.